

دوشنبه ۳ شهریور ۱۳۹۹
۴۰ محرم الحرام ۱۴۴۲
۲۴ آگوست ۲۰۲۰

## اخبار

**آموزش زبان فارسی در قرقیزستان؛ نزدیکی فرهنگی و «مساله» بازار کار**

پرویز قاسمی، رایزن فرهنگی ایران در قرقیزستان در پنجمین یادداشت خود از سلسله یادداشت‌های ماموریتش در قرقیزستان نیز به «مساله» آموزش زبان فارسی در این کشور پرداخته و یک نکته مهم را پیش می‌کشد، آیا صرفاً نزدیکی فرهنگی دو کشور برای ترغیب جوانان قرقیزی به یادگیری زبان فارسی اهمیت دارد؟ یا باید مساله بازار کار را هم در نظر گرفت؟ این یادداشت را که تاریخ فروردین ۹۸ با خود دارد، در ادامه بخوانید:

پیش از عزیمت به محل ماموریت جدید در حوزه روس زبان، جایی که بیشتر و بیشتر توسط روس‌ها از با عنوان خارج نزدیک یاد می‌شود؛ در مطالعات شخصی و آزادم در طول سال‌های گذشته و هم این اواخر از طریق مطالعه سوابق مربوط به فعالیت‌ها و همکاری‌های فرهنگی با قرقیزها بر این نکته واقف و آگاه شده بودم که برقراری ارتباط سازنده با دانشگاه‌ها و مراکز علمی آموزشی و تلاش برای لینک و پیوند دادن دانشگاه‌های محل ماموریت با دانشگاه‌ها و مراکز همتا در ایران و از همه مهمتر توجه ویژه به همکاری‌ها در حوزه زبان فارسی در دانشگاه‌های قرقیزستان باید جایگاه پررنگ و شایسته‌ای در فعالیت‌های رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بیشکک داشته باشد.

اتفاق خوبی که خوشبختانه در چند سال گذشته در ارتباط با همکاری‌های علمی دانشگاهی ایران و روسیه شاهد بوده‌ام و این نمی‌شد جز به یمن تلاش و اراده رایزنان فرهنگی ما در روسیه و البته حمایت سفیر وقت فرهیخت‌مان در آن دیار (دکتر مهدی سنایی) از این نوع ابتکارات و همکاری‌ها. از بهنگر اهتمام سفارت و رایزنی فرهنگی کشورمان در مسکو به تقویت ارتباطات و همکاری‌ها با دانشگاه‌های روسیه و توجه به دوره‌های آموزش زبان فارسی و اتاق‌های ایران؛ اکنون تعاملات پلایر و نهادینه شده‌ای بین دانشگاه‌ها، مراکز علمی آموزشی دو کشور برقرار شده و همین مسئله خود نتایج و آثار بسیار مثبتی را در سطوح مختلف بر جای گذاشته است. در قرقیزستان آسیای مرکزی نیز شرایط برای شروع کار ملی آنچه در روسیه انجام شده قریباً همپا بوده و هست؛ اتفاقا در اینجا چه بسا فضا و زمینه برای این نوع تعاملات مناسب‌تر هم هست.

در طول اندک مدتی که در قرقیزستان هستم آغوش قرقیزها را برای همکاری‌های فرهنگی دانشگاهی کاملاً باز می‌بینم اما خب البته اینجا مسکو نیست. نصف توجهی که دانشگاه‌های داخل ما خاصه علامه طباطبایی و امام خمینی و الزهرا و تهران و شهید بهشتی... هم روسیه دارند اگر به آسیای مرکزی می‌شود مانند باشند خیلی کارها را می‌شد و می‌توانست انجام داد و امیدواریم ما به عنوان بخش فرهنگی کار در حوزه کار کنیم. این شدنی است در کنار اراده و همت و پشتکار رایزنی فرهنگی مستظفر به حمایت سفیر خوش مرام و البته به شرط برخورداری از حمایت ستاد و خاصه بنیاد سعدی که قرقیزستان را کمی تا قسمتی بیشتر از آنچه هست؛ دریابد.

قرقیزستانی که دانشگاه‌ها و بخصوص حوزه زبان فارسی‌اش حتی در چند مدرسه قرقیزی که زبان فارسی در آنها تدریس می‌شود؛ بیشتر و بیشتر باید دیده شود و راه پس و پیشی هم غیر این نیست. مراکز قابل توجهی در دانشگاه‌ها و در مدارس قرقیزستان برای آموزش زبان فارسی – چه به عنوان زبان اول و چه به عنوان زبان دوم و اختیاری- دایر شده‌اند و هزینه‌های بسیاری هم برای آنها و ایضا تاسیس و تجهیز اتاق‌های ایران و مراکز ایرانی‌شناسی شده است و همه اینها برای ادامه کار و البته تقویت و به روز رسانی برنامه‌ها و فعالیت‌ها نیاز به حمایت اطمینان بخش دارند. صادقانه عرض می‌کنم ما در قرقیزستان با انبوه نیازها و درخواست‌ها برای حمایت در حوزه زبان فارسی و مشتقاتش مواجه هستیم. مشتقاتی که بعضاً تعریفشان با آنچه قبلاً می‌دانستیم و می‌پنداشتیم، تفاوت دارند. «بورس تحصیلی» از جمله همین‌هاست.

اینجا در قرقیزستان و در گروه‌های زبان فارسی دانشگاه‌ها و در رایزنی فرهنگی بیشتر و بیشتر این واژه گفته، شنیده و بکار برده می‌شود. بورسیه در اینجا با «خیزیه» همساز شده است و اساساً بسیاری از برنامه‌ها و فعالیت‌ها و اقدامات در قرقیزستان نوعی با پسوند و پیشوند خیزیه گره خورده‌اند. در کل ۲۰ روز اول حضور در این کشور تقریباً فقیر (فقیر در مقایسه با سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی) برای چند برنامه خیزیه دعوت شدیم و در دو سه تای آنها شرکت کردیم. بورسیه تحصیلی هم در اینجا اینگونه معنا پیدا کرده است. چه می‌شود کرد؛ کاری که دیگران با قبلی‌ها با هم واژه کرده‌اند و گره ای را یحتمل باز؛ شاید ما هم برای پیشبرد برنامه‌ها و فعالیت‌هایمان همان تعریف نه‌یافته شده را بپذیریم و تاگزیر به همان سبک و سیاق ادامه دهیم.

اینجا در قرقیزستان؛ در حالیکه بسیاری از دانشجویان زبان فارسی مستعد اعطای بورس تحصیلی (بخوانید دریافت کمک هزینه تحصیلی) هستند تا بلکه زبان فارسی را به عنوان زبان دوم انتخاب کنند که آن هم معلوم نیست در سال بعد با مشاهده جذبیت‌های انگیزشی سایر زبان‌های شرقی در بین همگروه‌هایشان از جمله برخورداری از تجهیزات و امکانات آموزشی؛ دوره‌های مختلف دانش افزایی؛ ایجاد اشتغال و... دوباره زبان فارسی را ادامه دهند، همیشه و مثل هر جای دیگری چه از سوی هیئت دانشجویان و چه از سوی اساتید و مدرسان زبان فارسی و دلسوزان فرهنگ و ادب فارسی دغدغه‌هایی مطرح می‌شوند که بعضاً پاسخ درخورى برای قانع کردنشان وجود ندارد. سولات و دغدغه‌هایی چون امکانات و تجهیزات مدرن آموزشی؛ شرکت در دوره‌های دانش افزایی در ایران؛ بازار و آینده کاری فارغ التحصیلان زبان فارسی و...

صادق وفايي: کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یکی از نقاط عطف تاریخ معاصر ایران است که به سلسله‌های اعتراضات مدنی مردم ایران، مُهر پایان زد و آن‌ها را برای مدتی خاموش نگه داشت؛ تا زمانی‌که اخگر اعتراضات در سال ۱۳۴۲ بار دیگر شعله‌ور شود و با رهبری امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۷ به ثمر برسد. کودتای مورد اشاره توسط نیروهای استعمارگر انگلیسی و آمریکا هدایت و توسط عُمال آن‌ها اجرا شد تا اعتراضات آزادی‌خواهانه مردم ایران، مقابل زیاده‌خواهی‌های استعمارگرانه سرکوب شود.

طی دهه‌های مختلف دروغ‌ها و حرف‌های راست‌های زیادی درباره این‌بره حساس از تاریخ ایران گفته شده، اما آنچه مهم است تأثیری است که کودتای مذکور بر تاریخ، ذهنیت و مسیر حرکت ملت ایران گذاشت. فرارسیدن سالروز کودتای انگلیسی آمریکایی ۲۸ مرداد که نزد مأموران مخفی و سران این دو کشور به عملیات «آژاکس» شناخته می‌شد، بهانه خوبی برای مطالعه و تحلیل تاریخ است. در این‌زمینه منابع مختلفی منتشر شده‌اند اما یکی از منابع مناسب برای این‌مطالعه و پژوهش، کتاب «کودتا (۲۸ مرداد، سازمان سیا و ریشه‌های روابط ایران و آمریکا در عصر مدرن)» نوشته پرواند آبراهامیان تاریخ‌نگار ارمنی‌تبار ایرانی است که در آن، مقدار قابل توجهی از اسناد و مدارک مربوط به این‌واقعه تاریخی در نظر گرفته شده‌اند. این‌کتاب با ترجمه محمدابراهیم فتاحی توسط نشر نی منتشر شده و پیش از چاپ در قالب کتاب، بخش‌هایی از آن به‌صورت سلسله‌مطالبی در روزنامه شرق چاپ می‌شد. نسخه اصلی کتاب هم سال ۲۰۱۳ چاپ شده بود.

گذشت تاریخ باعث کنار رفتن ابرها و غبارهای ابهام می‌شود و حقایق به‌مرور از پشت ابر بیرون می‌آیند. کتاب آبراهامیان هم می‌تواند کمک زیادی در زدودن غبار ابهامات کودتای ۲۸ مرداد کند. این تاریخ‌پژوه و نویسنده در کتاب خود، نیش و کنایه‌های باطن‌توجهی به غرب و استعمارگران انگلیسی و آمریکایی دارد که یکی از این کنایه‌های مهم را می‌توان در بخش پایانی کتاب، یعنی «میراث کودتا» مشاهده کرد که در واقع نقل قول جمله‌ای از نمایشنامه «جلیوس سزار» ویلیام شکسپیر است: «شر انسان پس از او باقی می‌ماند.» مطالعه بی‌سمت و سوی کودتای ۲۸ مرداد به‌عنوان یک واقعه صرفاً تاریخی، یکی از سخت‌ترین کارهایی است که یک‌مکلف و پژوهشگر می‌تواند انجام دهد و احتمالاً سختی‌های این‌راه باعث از بین‌رفتن انگیزه بسیاری از تاریخ‌پژوهان شده باشد. چون همان‌طور که آبراهامیان در صفحه ۲۱۱ کتاب خود می‌گوید، عبور شتر از سوراخ سوزن، بسیار آسان‌تر از دسترسی یک تاریخ‌نگار به باگینای سازمان CIA و MI۶ درباره کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ است. با این‌حال این‌پژوهشگر معتقد است با وجود همه موانع، می‌توان اطلاعات و اسناد مربوط به کودتا را از چند منبع مختلف گردآوری کرد که عبارت‌اند از: اسناد وزارت خارجه آمریکا، وزارت خارجه بریتانیا، مکاتبات عادی منتشرشده توسط وزارت امور خارجه آمریکا، بررسی دقیق نشریات معاصر، مصاحبه‌ها و خاطرات منتشرشده در ایران و غرب به‌ویژه پس از انقلاب و گزارش‌های عوامل اجرایی CIA و MI۶ مثل کریمت روزولت و دونالد ویلیر. و البته آبراهامیان

پیشینه‌های کودتای ۲۸ مرداد ۴۲:

# همه چیز از ملی‌شدن نفت شروع شد



اشاره هم می‌کند که تمام این‌اسناد را باید با کمی شک و تردید بررسی کرد و فواصل و خلاءهای آن‌ها را با استدلال عقلی و شواهد فرعی پر کرد. در پرونده‌ای که قصد داریم در روزهای آینده درباره کودتای ۲۸ مرداد باز کنیم، کتاب «کودتا» ی پرواند آبراهامیان را محور قرار داده و از اسنادی که او در کتاب به آن‌ها اشاره کرده، استفاده می‌کنیم. اگر هم بخواهیم جان کلام را همان ابتدا بگوییم باید به این‌واقعیت اعتراف کنیم که کودتای ۲۸ مرداد صرفاً عملیاتی برای تأمین منافع استعماری انگلیس و سپس آمریکا در ایران بوده نه راهکاری برای جلوگیری از افتادن ایران در دامن کمونیسم. ساده‌ترین نوع بیان این‌صورت‌مساله این است که انگیزه اصلی کودتای ۲۸ مرداد، ملی‌شدن صنعت نفت ایران توسط دولت محمد مصدق بوده و ادعاهایی چون تهدید ایران توسط کمونیسم صرفاً گزافه‌هایی هستند که دولت‌های غربی انگلیس و آمریکا برای تظہیر خود در این‌زمینه به کار برداند. در این واقعه تاریخی باز هم می‌توان نمونه دیگری از غرب استعمارگر و شرق ضربه‌خورده را شاهد بود؛ همان‌طور که یکی از نتیجه‌گیری‌های آبراهامیان هم در صفحه ۲۸۱ کتاب با ارجاع به مکتب شرق‌شناسی و ادوارد سعید (یکی از بنیان‌گذاران این‌مکتب)، این‌گونه است: «برخی تاریخ‌نگاران، معتقدند که کتاب معروف و بسیار بحث‌برانگیز ادوارد سعید تحت عنوان شرق‌شناسی به‌شکلی غیرمنصفانه درباره پیوندهای موجود بین نهادهای دانشگاهی و دستگاه‌های سیاست خارجی افرایق می‌کند. شانس خوب آن‌ها این بود که ادوارد سعید از این پیوندها در کودتای ۱۳۳۲ هیچ اطلاعی نداشت. اصلاً این موارد بسیار بزرگ‌تر از حد تصور او بودند. دانشگاهیان محتاط‌تر هم عاقلانه سکوت پیشه کردند و خود را دانشورانی محض و بی‌علاقه به موضوعاتی نامناسب نظیر سیاست نشان دادند. کل این‌ماجرا تاسف‌انگیز در آن‌جبهت حرکت کرد که شکاف بین نگاه ایرانیان و غربیان نسبت به کودتا و همچنین به کل تاریخ روابط ایران با غرب بیش‌تر شود.»

۱- در حکم مقدمه؛ دغدغه‌های یک‌تاریخ‌نگار درباره ۲۸ مرداد آبراهامیان در ابتدای کتاب و قدم اول از حلقه مرگباری صحبت کرده که ایران و آمریکا طی دهه‌های گذشته در آن گرفتار شده و آن‌ها را تبدیل به دشمنان خونی یکدیگر کرده است. او تلاش کرد در این‌کتاب با نگاهی بی‌طرف و بیرون

از گود، مواضع ایران و آمریکا را در قبال یکدیگر ترسیم کند؛ این‌که آمریکا تمایل دارد ایران را نقطه تلاقی رایش سوم و روسیه استالینی تصویر کند که سعی دارد انقلابش را به کشورهای خاورمیانه صادر کند و درصدد بازسازی امپراتوری باستانی ایرانی می‌هست. ایران هم آمریکا را یک‌قدرت استعماری-امپریالیستی جنگ‌طلب می‌داند که می‌خواهد بر کل منطقه خاورمیانه سلطه داشته باشد و در صدد تغییر رژیم حاکم بر ایران هم هست. آبراهامیان در عین ترتیب نگاه دو طرف به‌یکدیگر از کینه عمیق آمریکا نسبت به ایران هم سخن گفته که علتش می‌تعبیر او، «بحران تحقیر آمیز گروگان‌گیری سال‌های ۱۳۵۸-۵۹» است؛ همان‌اتفاقی که در آن ۵۵ دیپلمات آمریکایی به‌مدت ۴۴۴ روز با شعار «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» در اسارت ایران ماندند. به عبارت دیگر، آمریکا پس از ماجرای لانه جاسوسی و گروگان‌گیری در صدد احیای هیبت و غرور لطمه‌خورده خود برآمده است.

۱-۱ دودن دو بابو اشتباه درباره ۲۸ مرداد نویسنده کتاب «کودتا» هدف خود را از نگارش این‌اثر، ۲ چیز عنوان کرده که هر دو عامل، برای از بین‌بردن باورهای متعارف و اصطلاحاً جا افتاده درباره این‌حادثه تاریخی هستند. به بیان ساده‌تر دلایل او برای نوشتن این‌کتاب، به‌چالش‌کشیدن ۲ باور متعارفی هستند که به آن‌ها اشاره می‌کنیم؛ اول، این‌باور که انگلستان ابتدا با حشر نیت وارد مذاکره با ایران شد. آمریکا هم سعی کرد واسطه درستکاری باشد و چون مصدق در رسیدن به صلح سرخستی نشان داد، کار به آن‌جایی رسید که سرانجامش کودتا بود. دوم، باور به این‌که کودتای ۲۸ مرداد برای جلوگیری از افتادن ایران به دامان کمونیسم انجام شده است. در زمینه مخالفت با دیدگاه اول، آبراهامیان، با نظر نویسندگانی چون ویلیام راجر مخالفت کرده که گفته «بریتانیا اصل ملی‌شدن نفت را پذیرفت اما با همکاری آمریکا و به‌دلایل رفتار غیرمنطقی مصدق، تصمیم به سرنگونی او گرفت.»

آبراهامیان در پاسخ به چنین‌پژوهشگرانی می‌گوید اصلاً مصالحه بین ایران و دو کشور یادشده میسر ممکن بود چون پریشانی برده ای می‌دان می‌وجود داشت و از این‌قرار بود که «چه‌کسی کنترل نفت ایران را به عهده داشته باشد؟» یعنی اکتشاف، تولید، استخراج و صادراتش را! این‌میان بحث ملی‌شدن صوری نفت هم مطرح است که با گفته آبراهامیان به‌صورت یک مصالحه مسفانه

نمایش داده می‌شد که در بهترین حالت، ترکیبی متضاد و بی‌معنا و در بدترین حالت، سروشی گمراه‌کننده بود.

در به چالش‌کشیدن دیدگاه دوم هم، آبراهامیان، از نظر نویسندگانی چون مارک گازیوروسکی انتقاد می‌کند که استدلال کرده بودند کودتای ۲۸ مرداد، ربط چندانه به نفت نداشته و بیشتر به‌خاطر ترس غرب از افتادن ایران به دامان کمونیسم و شوروی بوده است.

۲-۱ دین کودتا در جایگاه خودش؛ دشمنی امپریالیسم با ناسیونالیسم ایرانی یکی از دغدغه‌های مهم پرواند آبراهامیان در کتاب پیش‌رو، این است که کودتای ۲۸ مرداد را در جایگاه درست خود قرار دهد. یعنی نه از باور رایج اول پیروی کند نه دیدگاه دوم. بلکه این‌اتفاق تاریخی را درون منقشه امپریالیسم (آمریکا) و ناسیونالیسم (ایران) ببیند؛ یعنی دعوایی بین جهان اول و جهان سوم، یا چالشی بین اقتصادهای توسعه‌یافته و اقتصادهای توسعه‌نیافته و وابسته به صادرات مواد خام. او موضوع اصلی منقشه را «نفت» می‌داند و در کتابش به این‌استدلال می‌رسد که آمریکا هم به اندازه انگلستان در بحران نفت سال‌های ۳۰ تا ۳۲ سرمایه‌گذاری کرده بوده است. یعنی اگر جلوی مصدق و ایران گرفته نمی‌شد، نه این‌که ایران به دامن کمونیسم بیافتد بلکه خطر اصلی، تبعاتی بود که ملی‌شدن صنعت نفت می‌توانست بر کشورهای دیگری در خلیج فارس و کشورهای دورتری مثل اندونزی و منطقه آمریکای جنوبی بگذارد.

آبراهامیان یک‌تذکر تاریخی هم دارد و آن، این‌که زبان واگذاری امتیاز تولید نفت به کشورهای بومی در سال‌های دهه ۱۳۳۰ (۱۹۵۰ میلادی) برای امپریالیسم، کاملاً غیرقابل پذیرش بوده است. در حالی‌که با گذشت زمان، این‌امتیاز در دهه ۵۰ (۱۹۷۰) به دولت‌های بومی واگذار شد. بنابراین باید توجه داشت کودتای ۲۸ مرداد در چه‌زمان از بین‌بردن باورهای متعارف و اصطلاحاً جا افتاده درباره این‌حادثه تاریخی هستند. به بیان ساده‌تر دلایل او برای نوشتن این‌کتاب، به‌چالش‌کشیدن ۲ باور متعارفی هستند که به آن‌ها اشاره می‌کنیم؛ اول، این‌باور که انگلستان ابتدا با حشر نیت وارد مذاکره با ایران شد. آمریکا هم سعی کرد واسطه درستکاری باشد و چون مصدق در رسیدن به صلح سرخستی نشان داد، کار به آن‌جایی رسید که سرانجامش کودتا بود. دوم، باور به این‌که کودتای ۲۸ مرداد برای جلوگیری از افتادن ایران به دامان کمونیسم انجام شده است. در زمینه مخالفت با دیدگاه اول، آبراهامیان، با نظر نویسندگانی چون ویلیام راجر مخالفت کرده که گفته «بریتانیا اصل ملی‌شدن نفت را پذیرفت اما با همکاری آمریکا و به‌دلایل رفتار غیرمنطقی مصدق، تصمیم به سرنگونی او گرفت.»

آبراهامیان در پاسخ به چنین‌پژوهشگرانی می‌گوید اصلاً مصالحه بین ایران و دو کشور یادشده میسر ممکن بود چون پریشانی برده ای می‌دان وجود داشت و از این‌قرار بود که «چه‌کسی کنترل نفت ایران را به عهده داشته باشد؟» یعنی اکتشاف، تولید، استخراج و صادراتش را! این‌میان بحث ملی‌شدن صوری نفت هم مطرح است که با گفته آبراهامیان به‌صورت یک مصالحه مسفانه

ادامه دارد...

شماره ۳۰۳۰

## اخبار

**طنین موسیقی مذهبی اقوام در سوگواره «نی ناله»**

سوگواره آواها و نواها با عنوان «نی ناله» به مناسبت ماه محرم، توسط مدیریت فرهنگی هنری منطقه ۵ برگزار می‌شود.

**به گزارش امتیاز، سوگواره آواها و نواها** با عنوان «نی ناله» از جمله برنامه‌های «جلوه سوگ» سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران است که به مناسبت ماه محرم و ایام سوگوازی شهدات سرور و سالار شهیدان حضرت امام حسین(ع) و یاران باوفایی، در قالب موسیقی مذهبی اقوام به همت مدیریت فرهنگی هنری منطقه ۵ و فرهنگ‌سرای فردوس از ۳ تا ۱۳ شهریورماه در هفت فرهنگ‌سرای پایتخت برگزار می‌شود.

گروه «آفتاب طلایی» از استان لرستان، گروه «نامن الحجج» از استان مرکزی، گروه «حجاز» از استان اصفهان، گروه «عاشورایی دیلمان» از استان گیلان، گروه «سوگ» از استان بوشهر و گروه «نی نوا» از استان خوزستان در این سوگواره به اجرای برنامه خواهند پرداخت. فرهنگ‌سراهای خواران، بهمین، اشراق، رازی، امید، شهید سردار سلیمانی و معرفت، مراکزى هستند که سوگواره آواها و نواهای «نی ناله» در آن‌ها برگزار می‌شود.

علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر برای شرکت حضوری در این ویژه‌برنامه می‌توانند با تلفن گویای ۱۸۲۷ و نیز شماره ۰۵۸۹۰۰۴۴(دبیرخانه سوگواره) تماس بگیرند و برای مشاهده بخشی از اجراها به صفحه اینستاگرام فرهنگ‌سرای فردوس به نشانی **ferdos.farhangsarara** مراجعه کنند.

**مجلسی که جلوی خارجی‌ها ایستاد، اما تعطیلش کردند!**

امین رحیمی: دولت نوبای مشروطه، مجلسی داشت که می‌خواست امور مملکت را اصلاح کند. محمدعلی شاه قاجار مجلس اول را به توپ بسته بود و مجلس دوم به زور مقاومت مشروطه‌خواهان و بزرگانی نظیر مدرس با هزار زحمت شکل گرفته بود. ولی این مجلس نیز با تکی و چالش بزرگ مواجه شد. امپراتوری روسیه برای امپراتوری بریتانیا از اصلاحات در نظام اداری ایران توسط مستشاران که به انضباط مالی و تغییر در شرایط قراردادهای خارجی و امتیازبندی انحصاری منجر شده بود، بسیار ناراضی بودند و شروع کردند به انواع و اقسام تهدیدها. در واقع با اصلاح امور مالی و اداری خزانه‌داری در ایران، منافع قدرت‌های آن روزگار که با زور و فساد از دولت ایران امتیازهای باارزش گرفته بودند به کلی به خطر افتاده بود.

روسیه تزاری با فراتر گذاشتن و به دربار ایران اولتیماتوم داد که مستشاران خارجی را اخراج کند؛ وگرنه ایران را اشغال می‌کند. وضعیت دربار که معلوم بود، ولی مجلس در مقابل این تهدید ایستاد و «مدرس» که پذیرش اولتیماتوم را ذلت می‌دانست در مجلس چنین گفت: «شاید مشیت الهی بر این قرار گرفته باشد که آزادی و استقلال ما به زور از ما سلب شود، ولی سزوار نیست که خودمان به امضای خود آن باقی نماندگان نیز جرات یافتند و اولتیماتوم را رد کردند.

**وقتی مردم ایستادند و حکومت نه!**

پس از رد اولتیماتوم توسط مجلس، کشور با یک بی‌نست سیاسی مواجه شد. در میان دولتمردان نیز ترس زیادی بود از این‌که مبادا روسیه تزاری به وعده‌اش عمل کند؛ و البته خیلی‌ها هم می‌دانستند مقاومت مردم چنین اجزاهای را به ارتش تزار نمی‌دهد. دعوی سیاسی ادامه داشت و مردم دل‌شان به شجاعت مجلس گرم بود و کفه ترازو به نفع کسانی سنگینی می‌کرد که می‌گفتند نباید ترسید. به ویژه آن‌که علمای ممتاز و روحانیون مشهور نیز با قوت تمام از اقدام مجلس حمایت کردند و حتی کار به اعلام تحریم کالاهای انگلیسی و روسی هم رسید. از همه مهم‌تر این‌که «ملا محمد کاظم خراسانی» مشهور به «آخوند خراسانی» مرجع تقلید شیعیان اعلام کرد در حمایت از رد اولتیماتوم به همراه گروهی از علما از عتبات به تهران سفر می‌کند. در مقابل این تهدید، عتبات عزت و غرور ملی در ایران شکل گرفت. اما در دربار وضعیت کاملاً متفاوت بود. احمدشاه قاجار، طفلی بیش نبود و سن قانونی برای سلطنت نداشت. اختیار مملکت دست «میرزا ابوالقاسم خان قراقرزلو» ملقب به ناصرالملک و نایب‌السلطنه قاجار بود و او هم ترسان و لرزان از تهدید امپراتوری‌های آن زمان در نهایت در ۳ محرم ۱۳۳۰ قمری (۱۲۹۰ شمسی) مجلس را تعطیل کرد تا راه برای اخراج مستشاران باز شود.

**عاقبت چه شد؟**

بریتانیا و روسیه تزاری پس از ضغعی که از سوی حکومت ایران مشاهده کردند، شروع کردند به گرفتن امتیازهای بیشتر و زورگویی‌های جدیدتر. بدتر این‌که روسیه تزاری به بهانه این‌که باید هزینه‌های نظامی قشون قزاق که برای حمله به ایران آماده شده بودند، توسط دولت ایران پرداخت شود! آن‌ها بدون اینکه با مقاومت نیروهای نظامی ایران مواجه شوند، برخی شهرها از جمله رشت و تبریز و زنجان را برای مدتی اشغال کردند. در همین مدت عده‌ای از مردم عادی و البته مشروطه‌خواهان مشهور به دست قزاق‌ها کشته شدند. ترس و ضعف قجرى بر شجاعت و قدرت مردم غلبه کرد و خاطره‌ای تلخ در حافظه تاریخ ایران به جا ماند. نکته مهم این‌که از زمان ناصرالدین قاجار که عادت به واردات پدیده‌های جدید داشت، ارتش ایران شامل افراد و تجهیزات از روسیه تزاری وارد شد و پس از آن همچنان وارداتی ماند. در واقع ارتش قزاق در دوره قاجار همواره شعبه‌ای از ارتش روسیه تزاری بود. این ارتش که تمام فرماندهان عالی‌رتبه درجه‌دار و تجهیزاتش وارداتی بود در دوره احمدشاه قاجار نیز در برابر حمله روسیه تزاری عملاً هیچ مقاومتی نکرد. چنین مملکتی داشتم ما! وابستگی و ضعف در این‌حد!

مدیر فرهنگی هنری منطقه ۱۷ خبر داد:

# آیین چهارپایه خوانی در شهر تهران برگزار می‌شود



بر سر یک کوچه حضور پیدا می‌کنند برگزار شود.

دبیر اجرایی نخستین ویژه برنامه چهارپایه خوانی نوجوانان شهر تهران با بیان اینکه سازمان فرهنگی؛ پیش از این سابقه اجرای این برنامه را نداشته و به دلیل مقابله با شیوع ویروس کرونا این مدل از اجرای برنامه را انتخاب می‌کند گفت: فرهنگسراهای شهر تهران به عنوان دبیرخانه های ۷۲ هیئت نوجوان عهده دار برگزاری این مراسم هستند. مدیریت های فرهنگی هنری هر منطقه به عنوان دبیرخانه مربوطه؛ هیئت های نوجوان را شناسایی کرده و ضمن ارسال دعوتنامه برای هر هیئت و مداحان نوجوان جلسات توجیهی و هماهنگی ترتیب خواهند داد.

سعادت درخصوص چگونگی و زمان اجرای این برنامه مناسبتی گفت: مراسم «چهارپایه خوانی» که سالهاست یکی از خاص ترین آداب عزاداری در تهران قدیم و از آیین های سنتی عزاداری حضرت ابا عبدالله الحسین(ع) است؛ اسنال قرار است از ۳۱ مردادماه تا ۲۸ شهریور با رعایت پروتکل های بهداشتی با مشارکت سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، مجمع یاس کبود و هیئت وارثان؛ در قالب مراسم کوتاه عزاداری توسط گروه های کوچک عزاداری که در هر روز

در سوم محرم سال ۶۱ چه گذشت؟

## نمازهایی که عمرسعد و لشگرش به سیدالشهدا(ع) اقتدا کردند!

درب در حوادث میان سال‌های ۱۵ تا ۱۳۲ هجری دربر دارد، کتاب «قیام سیدالشهدا حسین بن علی(ع) و خونخواهی مختار؛ به روایت طبری و انشای ابوعلی بلعمی» را به مرحله طبع رساند.

این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۳۵۹ توسط انتشارات بنیاد فرهنگ ایران وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی وقت (وزارت علوم فعلی) در ۱۲۴ صفحه و شمارگان سه هزار نسخه منتشر شد. این کتاب بعدها از سوی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بازنچاپ شد. محتوای کتاب با خرد بیعت نخستین یزید و مخالفت امام حسین(ع) و عبدالله بن زبیر آغاز شده و با روایت مصاف لشگر و مداخله با مصعب بن زبیر و قتل مختار به پایان می‌رسد. گفت‌وگوی امام (ع) و عمر سعد را به روایت از این کتاب در ذیل بخوانید:

«دیگر روز عمر بن سعد سپاه حسین را کربلا شنید، روی آنجا نهاد، چون خیره دیدید، حسین برنشت با آن سوارچهل مرد و پیش صف اندر آمدند و صف زدند و بر جای بیستادند. عمر بن سعد از میان سپاه بیرون آمد و بر حسین سلام کرد و حسین جواب داد. پس گفت: یا حسین، هرچند که



انشای دیگری از این کتاب به قلم شیوا و فارسی روان ابوعلی محمد بلعمی، وزیر منصور بن نوح سامانی نیز اکنون در دست ماست. در این انشا بلعمی به تصحیح برخی روایت‌های طبری نیز پرداخته است. به دلیل همین تصحیح و اضافات بود که کتاب بلعمی بعدها به عنوان یک اثر جداگانه مورد پذیرش قرار گرفت.

از انشای ابوعلی بلعمی نسخ متعددی بر جای مانده است. دکتر محمد سرور مولایی با تصحیح یکی از نسخه‌های این انشا متعلق به گنجینه نسخ خطی مجموعه آستان قدس رضوی که ۲۲۴ ورق